

واکاوی پیشه «منجم‌باشی» در آستان قدس رضوی که تلاقی علم و قدسیت بود

نگهبانان آسمان در حریم خورشید

اعظم نظرکرده‌ا از دیرباز، زمانی که نخستین پرتوهای خورشید بر گنبد طلایی بارگاه منور رضوی می‌تابید یا هنگامی که هلال باریک ماه در آسمان مشهود رخ می‌نمود، چشم‌هایی بیدارودقیق،در جست‌وجوی استخراج زمان و تدوین تقویم بودند.این افراد در ساختار اداری و مذهبی آستان قدس رضوی، صاحب منصبی بودند به نام «منجم‌باشی»؛منصبی که پیونددهنده زمین و آسمان بود.این منصب یا شغل که در باورهای عمیق ایرانیان به دانش نجوم و نیاز مبرم مذهبی به تعیین دقیق اوقات شرعی ریشه داشت،رکن زکین نظم‌بخشی به‌اموربزرگ‌ترین‌نهادوقفی جهان اسلام به شمار می‌رفت.منجمان آستانه علاوه بر عهده‌داری چنین وظیفه‌ای، میراث‌داران دانشی بودند که خراسان را به قطب ستاره‌شناسی جهان بدل کرده بود؛همان سرزمینی که به‌گفته‌سیاحان،ستاره‌هایش چنان به زمین نزدیک بودند که می‌شد با دست آن‌ها راچید.در این گزارش،براساس اسناد آستان قدس به بازخوانی تاریخ،وظایف و جایگاه این شغل فراموش شده می‌پردازیم.

- دانای اسرار زمان

واژه منجم در لغت به معنای ستاره شناس، وقت شناس و دانای علم نجوم است به همین نسبت در اصطلاح اداری آستانه نیز منجم کسی بود که نه تنها تقویم می‌نوشت، بلکه با اندازه‌گیری موقعیت و سیر ستارگان، احوال عالم را استخراج می‌کرد. در حالت عمومی و در فرهنگ عامه نیز اعتقاد بر این بود که نجوم می‌تواند نیازهای مادی و معنوی انسان را برآورده کند. به همین دلیل، ستاره‌شناسی در ایران همواره با احترام همراه بوده و به تبع آن دانشمندان ایرانی نیز در این رشته سرآمد جهان بوده‌اند.

ژان شاردن، جواهرفروش و جهانگرد فرانسوی که در سده هفدهم میلادی به ایران صفوی سفر کرده در همین باره نوشته است: «دانش ستاره‌شناسی و هیئت در نظر ایرانیان بسیار مهم و بزرگ شمرده می‌شد و بدین سبب گسترش و تکامل زیادی یافته و دانشمندان ایرانی در این زمینه با محققان اروپایی برابری می‌کنند و چنان‌که آنان با این علم آشنا هستند و بهره می‌برند، ایرانیان نیز سود می‌جویند و مهم‌ترین دلبستگی آنان به نجوم این است که ایرانیان به دیگر مردمان مشرق زمین ستاره‌شناسی را کلید همه امور آینده خود می‌دانند و آموختن این علم را بزرگ‌ترین آرزوهای خود می‌شمارند. غالب ایرانیان بر این اعتقادند که نجوم مراد آنان را برآورده می‌کند، همه اخترگران ایران و دست‌کم مشهورترینشان از ایالت خراسان و به خصوص از گناباد و در خاندانی جلیل و گران‌گوهر به دنیا آمده و دانش اندوخته‌اند. به همین سبب پادشاهان ایران اخترگران دربار را از این شهر انتخاب می‌کنند. زیرا معتقدند یکی از موجبات توسعه و گسترش علم اخترگری در خراسان و سفدیان قدیم پاکبگری و خشکی و تابناکی هوای آن دیار است. بدان سان که می‌توان سپر ستارگان را در آنجا رصد کرد.» به دلیل همین اعتقادات بود که منجم‌باشی از جایگاه یک تقویم‌نویس ساده فراتر می‌رفت و در بسیاری از حکومت‌ها در مقام مشاور امین شاهان برای تعیین «ساعات سعد و نحس» قرار می‌گرفت. اسناد نشان می‌دهند که بدون تأیید

گنجینه نجوم آستان قدس

- تعداد اسناد:** بیش از ۳۶۴ سند مستقیم مربوط به پرداخت مواجب، وظیفه و احکام انتصاب منجمان در آرشیاوآستان قدس رضوی موجود است.
- اسناد مالی:** اسنادی مانند سند شماره ۳/۳۴۹۳۴ نشان‌دهنده پرداخت دقیق مواجب منجمان از محل «ندورات تسریح» و عواید موقوفات است.
- تشکیلات قاجاری:** در دوره قاجار اسنادی چون سند شماره ۳۹۶۵۵ حکایت از سازمان دهی بسیار دقیق منجمان و وکلای آن‌ها در مدیریت امور غله و زراعات موقوفه دارد.



اسطرلاب مسطح برنجی ساخت استاد عبدالاثمه. این اسطرلاب مزین به نقوش اسلیمی قلمزنی شده است و به سفارش محمد صالح در سال ۱۱۳۱ قمری ساخته شده است

چهره‌های ماندگار آسمان در اسناد آستانه

در لایه‌لای پرورنده‌های قدیمی آستان قدس، نام‌های بزرگی به چشم می‌خورد که هر یک در زمان خود از استوانه‌های علم نجوم بوده‌اند:

- میرزا عبدالولی:** فرزند میرزا مهدی، از منجمان بنام که پیش از رسیدن به مقام تولیت، عنوان منجم‌باشی آستانه را داشت و در تنظیم «کتابچه موقوفات» نقشی کلیدی ایفا کرد.
- محمدکاظم منجم‌باشی:** در سال ۱۲۷۸ قمری در ایوان طلا به این منصب منصوب شد.
- حاجی ملا مهدی منجم‌باشی:** از مشاهیر این حرفه در منطقه بالاخیابان مشهد.
- آخوند ملا اسماعیل گنابادی:** منجم خراسانی که در سال ۱۲۳۵ قمری در دارالشفاء حضرت به طبابت و نجوم اشتغال داشت و از مددو کسانی بود که تقویم‌های استخراجی‌اش شهرت عام داشت.
- میرزا عبدالعلی‌خان:** که بر اساس سند شماره ۴۰۶۴۷، در سال ۱۲۸۷ قمری از سوی نایب التولیه به این سمت منصوب شد.



اسطرلاب مسطح چوبی ساخت استاد محمدباقر ابراهیم الخراسانی. این اسطرلاب چوبی لاک‌ی در تاریخ ۱۲۹۳ قمری به صورت حلقوی ساخته شده است. این اسطرلاب که از اصلی‌ترین ابزار منجمان عهد ناصری بود به قطر ۱۵سانتی متر، عرض ۳سانتی متر و با ضخامت ۱سانتی متر ساخته شده است.

منجم، هیچ کار مهمی آغاز نمی‌شد و از پوشیدن لباس نو گرفته تا خروج از منزل، مسافرت و حتی بستن قراردادهای نظامی و سیاسی، همگی منوط به اجازه منجم بود.

منجمان معمولاً با القاب پرطمطراقی چون «فلک‌المرتبه»، «ملک‌المنجمین» و «مُقرب‌الخاقان» شناخته می‌شدند و در سلسله‌مراتب اداری، جایگاهی رفیع در کنار حکیم‌باشی (پزشک مخصوص) داشتند. کلبرت کمفر، پزشک و طبیعی‌دان اهل آلمان نیز که به واسطه سفر جهانگردی‌اش به روسیه، ایران، هند، آسیای شرقی و ژاپن در بین سال‌های ۱۶۸۳ تا ۱۶۹۳میلادی مشهور است درباره منجمان ایرانی نوشته است: «منجمین معمولاً در ملازمت شاه بودند و بدون کسب اطلاع از منجم‌باشی که رئیس منجمان بود شاه نه می‌نشست نه بر می‌خاست، نه بر اسب می‌نشست و نه اصولاً به کار دیگری دست می‌زد... منجم همواره لوحه و فهرستی از ستارگان یا خود دارد تا ساعات نحس را بتواند در هر لحظه‌ای خبر دهد.»

- از رصد هلال تا مدیریت موقوفات

همان‌گونه که منجمان در دستگاه شاهان جایگاه رفیعی داشتند، در آستان قدس رضوی نیز منجم‌باشی همواره در دسترس متولی‌باشی یا نایب‌التولیه حضور داشت و هرگاه قرار بود تصمیمی رسمی اتخاذ شود یا فرسخی طی گردد، او موظف بود ساعت دقیق و فرخنده آن، را تعیین کند. در کتاب «دستورالملوک میرزاقلی» که به‌کوش و تصحیح محمد اسما عیل مارچینکو فسکی تصحیح شده به نقل از محمد رفیع بن حسن میرزاقلی‌عا در قرن ۱۲ قمری آورده شده که «هرگاه منجمی تعیین می‌شد با اطلاع منجم‌باشی بود و در لیلای ماه مبارک رمضان هر وقت راکه پادشاه به جهت نقاره‌زنی سحر تعیین می‌کرد، منجم‌باشی و سایر منجمین به نوبت پای نقاره‌خانه حاضر می‌شدند و دستور نقاره‌زنی را صادر می‌کردند و در شب پایانی هر ماه استهلال ماه جدید را اعلام می‌کرد.»

بر همین اساس می‌توان گفت که با افزایش تعداد منجمان در تشکیلات آستان قدس منصب

بود که در جلسه شرکت داشت و آن فرمان راثبت و ضبط می‌کرد. همچنین زمان نیکو و بهتر برای تفویض شغل یا منصب موردنظر به اشخاص را به تولیت اعلام می‌داشت.

تکته قابل توجه در اسناد مربوط به منجمان و منجم‌باشیان آستان قدس آن است که یکی از وظایف عمده آنان مساحی کردن املاک یاغات و بیواتات وقفی آستان قدس رضوی بوده است.

- غروب یک پیشه

در دوره قاجار منجمان آستانه تشکیلاتی منظم و کاملاً سازمان‌دهی شده ساختند که با وظایف مشخصی زیر نظر «منجم‌باشیان» انجام وظیفه می‌کردند. در این دوره یکی از وظایف منجمان تحویل و جوهات نقدی و جنسی از زراعات و باغات موقوفه و تقسیم حقوق بین کارکنان آستان قدس بود. یکی از نکات اساسی درباره اسناد دوره قاجاریه در باب منجمان و منجم‌باشیان تعلیق‌چهای است که براساس آن در سال ۱۲۸۷قمری، خدمت منجم‌باشی‌گری آستان قدس از طرف میرزا ابوالقاسم خان معین‌الملک تولیت آستان قدس رضوی به میرزا عبدالعلی‌خان اعطا شده است.

چنددهه بعد با ورود ابزارهای نوین زمان سنجی و تغییر در ساختارهای اداری ایران در دوره پهلوی، نیاز به حضور فیزیکی منجم‌باشی برای تعیین‌امور روزمره به تدریج در آستان قدس کاهش یافت. اگرچه در دوره قاجار این تشکیلات بسیار منسجم بود، اما با انجام تغییرات اساسی در ساختار اداری آستان قدس، این شغل کم‌کم اهمیت پیشین خود را از دست داد.

در نهایت، با استقرار سیستم‌های مدرن هواشناسی و تقویم‌نگاری رسمی کشوری، پست «منجم‌باشی» به عنوان یک شغل رسمی از چارت تشکیلاتی آستان قدس حذف شد و وظایف آن به بخش‌های دیگری واگذار شد. امروزه، اگرچه دیگر فردی با لقب «منجم‌باشی» در صحن‌های حرم قدم نمی‌زند، اما تعیین اوقات شرعی و رصد هلال ماه همچنان با تکیه بر همان دانش کهن و البته با ابزارهای نوین، توسط گروه‌های رصدی و علمی زیر نظر آستانه انجام می‌شود.



تاریخ و تشکیلات حرم مطهر امام رضا(ع) از آغاز تا کنون(قسمت اول)

حرم مطهر رضوی؛ از ابتدا تا دوره صفوی

گروه تاریخ و هویت| چند روزی به سالروز شهادت امام رضا^ع نمانده و بر کسی پوشیده نیست که موجودیت و شکل‌گیری شهر مشهد بی‌شک وابسته به حضور امام^ع در این محدوده جغرافیایی است. از همین رو تصمیم گرفتیم در ستون روزهای چهارشنبه که در آن به بررسی تاریخ حرم می‌پردازیم، این بار به صورت خلاصه و سریالی با شما از تاریخ تشکیلات آستان قدس، بانیان آن و تغییر و تحولات حرم مطهر رضوی طی سالیان متمادی بگوییم. اطلاعات این بخش برگرفته از کتاب «تاریخ تشکیلات آستان قدس» و دیگر اسناد آستان قدس رضوی است.

در گام نخست برای نوشتن از تاریخ ایجاد حرم باید روایت را تا دوره هارون الرشید به عقب برد. هارون الرشید خلیفه عباسی به سال ۱۹۳ قمری در محل کنونی مزار امام رضا^ع که باغ یا قصر حمید بن قحطبه، حاکم توس بود و بین دهکده سناباد و شهر نوغان واقع شده بود، دفن شد و پسرش مأمون بر روی مزار او بقعه و قبه‌ای ساخت. بعد از این مأمون در صفر سال ۲۰۳ قمری، امام^ع را در همین مکان مسموم و شهید کرد و پیکر مطهر ایشان را نیز در بالاسر قبر پدرش به خاک سپرد. از این زمان گسترش حرم و سکونت در اطراف آن، آن چنان سریع بود که تقریباً غیرقابل باور است. برای نمونه، در دوره سامانی بنا به گزارش‌های جغرافی‌دانان و مورخان اطراف مزار امام^ع، دارای امکانات شهری از جمله حصار، مسجد، بازار، صحن و حجره بوده و عده‌ای در آنجا معتکف و افرادی از شیعه و سنی به فراگیری علوم قرآن و حدیث در زیر قبه حضرت اشتغال داشتند. در دوره مذکور حرم دارای خدمه و مباشر بوده و خدام آن درب مزار امام^ع را در شب بسته و روز باز می‌کرده‌اند. در این دوره همچنین نسلی از حمزه‌بن موسی‌الکاکم^ع وارد منطقه توس می‌شود. این گروه در ادامه، با سکونت در جوار بارگاه امام^ع، نقابت سادات مشهد، توس و امور حرم را تا اوایل قرن نهم هجری بر عهده می‌گیرند و از این رو هم به سادات موسوی معروف می‌شوند.

با وجود این، در دوره غزنویان، مسعود غزنوی مدتی تولیت حرم مطهر را به سید اجل ابو جعفر محمدبن علی واگذار می‌کند. همچنین در دوره غزنویان سبکتکین حرم را ویران می‌کند اما سلطان محمود آن را بازسازی کرده و بارگاهی نیکو بر آن می‌سازد. پس از غزنویان، سلجوقیان نقطه عطفی در تاریخ حرم بودند، در این دوره کنبد معروف حرم به دستور سلطان سنجر ساخته می‌شود.

البته در حمله مغول، حرم توسط پسر چنگیز آسیب می‌بیند، اما کاملاً ویران نمی‌شود. سکونت شیعیان و سادات در پیرامون مزار امام^ع و رونق زیارت، آن چنان زیاد بوده است که در رقابتی که میان طرفداران حکومت عباسی و اهل سنت با شیعیان بر سر نصب ضریحی بر روی قبر هارون الرشید در نیمه دوم قرن چهارم بروز می‌کند، شیعیان مانع نصب آن می‌شوند، مفتی اهل سنت نیز به نفع شیعیان فتوا می‌دهد و چون خلیفه به این امر اعتراض می‌کند، او دلیل این فتوا را جمعیت زیاد شیعیان در آن مکان بیان می‌کند. ظاهراً بعد از سقوط دولت عباسی و تا عصر صفوی هنوز قبر هارون برای خود جا و مکان و خدایم داشته است. ولی مزار امام رضا^ع نیز دارای متولی، خدمه و موقوفات زیادی بوده است؛ این بطوطه، سیاح مغربی، در این باره نوشته است: «مشهد امام رضا^ع دارای قبه بزرگی است که مدرسه و مسجدی در کنار آن وجود دارد. این عمارت‌ها همه با سبکی بسیار زیبا و ملیح ساخته شده و دیوارهای آن کاشی است. روی قبر، ضریحی چوبی قرار دارد که سطح آن را با صفحات نقره پوشانیده‌اند. از سقف مقبره قندیل‌های نقره آویزان است. آستان و در قبه هم از نقره است و پرده ابریشم زردوزی از در آویخته شده، داخل بقعه هم با فرش‌های گوناگون مغروش گردیده و روبه روی قبر امام^ع، قبر امیرالمؤمنین هارون الرشید واقع شده که آن هم ضریحی دارد و شمعدان‌ها روی قبر گذاشته‌اند و مردم مغرب‌گور وی را علامت شمعدان‌ها باز می‌شناسند. هنگامی که رافضیان وارد بقعه می‌شوند قبر هارون را لگد می‌زنند و به امام رضا^ع سلام می‌فرستند.» در عصر ایلخانان اما مزار امام به ویژه در زمان حکمرانان شیعه، مورد توجه و تکریم بوده است و سادات موسوی همچنان امور حرم و نقابت سادات را بر عهده داشته‌اند که غازان خان آن‌ها را در شغل خویش تثبیت کرد. ایلخان مذکور همچنین در سال ۶۹۹ قمری، فرهاد جرد و قرهادان و مخالف‌سرای را بر روضه منور و مرقد مطهر امام علی بن موسی‌الرضا^ع وقف کرد. تیمور به سال ۷۸۲ قمری، فرزندش میرانشاه را روانه خراسان می‌کند و او توس را تصرف می‌کند ولی در سال ۷۹۱قمری، توسیان شورش کرده، پس میرانشاه آن را ویران می‌کند. در ادامه، مساعی شاهرخ در بازسازی توس به جایی نمی‌رسد و مردم توس به مشهد آمده و در اینجا سکونت می‌کنند.
سواى این اسناد تاریخی می‌گویند که توجه ویژه شاهرخ و جانشینانش به مشهد آن را در زمره سومین شهر خراسان، بعد از هرات و سمرقند قرار می‌دهد.

در دوره تیموریان هم اوج شکوفایی حرم بیش از صفویه رقم می‌خورد. بانوی قدرتمند، گوهرشاد آغا، همسر شاهرخ تیموری، مسجد جامع گوهرشاد را بنا کرده، دو رواق مهم به حرم اضافه می‌کند. همچنین صحن عتیق (صحن انقلاب) در این دوره ساخته می‌شود.

ناگفته نماند که از عصر شاهرخ تیموری، سادات رضوی همدوش سادات موسوی امور نقابت و حرم را بر عهده می‌گیرند. سادات موسوی نیز مورد احترام شاهرخ بودند و همانند سابق همچنان نقابت سادات و امور حرم را در دست داشتند. در این زمان است که نقاره‌خانه و مهمان‌سرای حضرتی پایه‌گذاری می‌شود. احتمال می‌رود دارالشقای حضرت نیز در این زمان یا پیش از آن تأسیس شده باشد. حافظ ابرو از مورخان عصر تیموری می‌نویسد: «مشهد در این زمان جایی معتبر و از شهرهای معظم است که محلات آن شامل کاریز، سناباد، چاه نو، دستجرد، منصوریه، ابوبکرآباد و پس بهره می‌باشد.» اسفزاری نیز گزارش داده که: «مشهد بعد از هرات یکی از شهرهای معظم بلاد اسلامی است که در آن مساجد و محافل و مدارس بزرگی دایر است.» او در ادامه به جمعیت و جامعیت و زینت‌ها و تجملات و فرش‌های قیمتی و شمعدان‌های زرین و سیمین و دیگر ادوات که در بقعه فراهم آمده و نیز به نقباء و سادات آنجا اشاره کرده که نشان از ثروت، شکوه و جلال آستان قدس رضوی در آن دوران دارد.



برق در مصر باستان!



اردلان نقش برجسته مشهور معبد هاتور در دندره سال هاست که به اشتباه «لامپ دندره» نامیده می‌شود و برخی آن را نشانه وجود برق در مصر باستان می‌دانند. اما بررسی هیروگلیف‌ها نشان می‌دهد این تصویر، یک نماد مذهبی از آفرینش و تولد دوباره است. نه یک لامپ. مار داخل نقش، نماد هارسومتوس (یکی از جلوه‌های هوروس) است که از گل نیلوفر آبی سر برمی‌آورد و آغاز زندگی و سال نو را نشان می‌دهد. این نقش‌ها در سردابه‌های معبد قرار دارند، جایی که برای نگهداری اشیای مقدس و اجرای آیین‌های مذهبی استفاده می‌شده است. باستان‌شناسان معتقدند مصریان باستان برای روشنایی از چراغ‌های روغنی و آینه‌های فلزی استفاده می‌کرده‌اند. نه برق.

